



..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٨٢
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٠٦
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢١٢
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢١٧
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٢٢
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٢٧
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٣٢
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٣٧
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٤٢
..... (بملا له ولبوره) باء ريبك رالوب	٢٤٧

## فهرست

..... سخن ناشر	٥
..... (هنريك سينكيويچ) ساشم (بازمانده‌ی قبیله)	٧
..... (روديارد كيپلینگ) گربه‌ای که تنها می‌رود	٢١
..... (سلما لاگرف) آزادی در جنگل	٣٧
..... (موريس مترلینگ) محل واقعه	٤٩
..... (رابیندرانات تاگور) کابلی	٧٩
..... (رومن رولان) جزیره‌ای در طوفان	٩٣
..... (کنوت هامسون) ویکتوریا	١٠٣
..... (آنا تول فرانس) راز حقیقت	١٢٣
..... (ویلیام باتلریتس) ماجرای عشق اونا دختر...	١٤١
..... (ولادیسلا وریمونت) از ریشه جدا شدگان	١٥٧
..... (برنارد شاو) مرد تقدیر	١٧١
..... (گراتزیا دلدا) بوسه بدرود	١٩٣
..... (توماس مان) در راه گورستان	٢٠٩
..... (لوئیچی پیراندلو) ابله	٢٢١
..... (پرل باک) روز بارانی	٢٣٥
..... (هرمان هسه) افسانه	٢٤٧
..... (آندره ژید) بازگشت پسر گمشده	٢٥٧

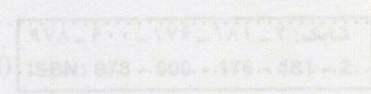


۲۸۳	سنجاق نگین دار (ویلیام فاکنر).....
۳۰۳	حق پیروز خواهد شد یا راه لهاसा (برتراند راسل).....
۳۲۹	آسانسوری که به جهنم می رفت (پارلاگر کوئیست).....
۳۴۱	دهکده‌ی سرخ‌پوستان (ارنست همینگوی).....
۳۴۹	دل‌مردگی (آلبر کامو).....
۳۶۳	کنیز (ایوو آندریچ).....
۳۷۷	فرار (جان اشتاین بک).....
۴۰۳	دیوار (ژان پل سارتر).....
۴۳۱	خواستگاری (میخائیل شولوخف).....
۴۴۹	تنها مردگانند که باز نمی‌گردند (میگل آنخل آستوریاس).....
۴۶۱	کاکل زری (کاواباتا).....

دیر زمانی است که در دنیای مغرب زمین، توجه بسیاری به ادبیات و ارزش نهادن به آن شده است و از این رو هر ساله جوایز ادبی گوناگونی به نویسندگان سرشناس جهانی اهدا می‌شود. یکی از معتبرترین این جوایز، جایزه‌ی ادبی نوبل است که هر ساله به کسانی تعلق می‌گیرد که در تکریم اصالت و آرمان‌های انسانی با خلاقیت و پشتکار به خلق آثار ادبی می‌پردازند.

اعطاء جایزه‌ی نوبل ادبیات در سال ۱۹۰۱ آغاز شد و اولین جایزه‌ی آن به یک شاعر فرانسوی به نام «سولی پرودوم» تعلق گرفت. لازم به ذکر است که همه‌ی برندگان جایزه‌ی نوبل ادبیات داستان نویس نیستند، بلکه در میان آنها فلاسفه، شعرا، نمایشنامه‌نویسان و تاریخ‌نگاران چون «برگسون» و «چرچیل» نیز حضور دارند.

ما در این مجموعه سعی کردیم که تنها بر روی داستان‌های کوتاه تمرکز نماییم تا بتوانیم در حجمی اندک خوانندگان گرامی را با طیف وسیعی از آثار این مفاخر ادبی جهان آشنا سازیم. در این راه اولین انتخاب ما داستانی از «هنریک سینکیه ویچ» نویسنده‌ی بزرگ لهستانی است که در سال ۱۹۰۵ جایزه‌ی نوبل ادبیات را از آن خود کرد. داستانی از کازانووشی گورو برنده‌ی نوبل ۲۰۱۷ پایان بخش این مجموعه می‌باشد. البته، باید خاطر نشان کرد که



ISBN: 978-600-176-181-2

۹۷۸-۶۰۰-۱۷۶-۱۸۱-۲



هر داستان این کتاب رنگ و بوی خاصی دارد و خواننده از آن حظی سرشار خواهد برد.

نکته‌ی قابل توجه این است که در طی این زمان نسبتاً طولانی که از آغاز اعطای این جایزه می‌گذرد، بسیاری از مفاخر ادبی کشورمان از جمله مترجمان نامدار و چیره دستی چون: «محمد قاضی»، «م. به. آذین»، «سیمین دانشور» و... بسیاری از این داستان‌های کوتاه را ترجمه و در مجلات ادبی و هفته نامه‌ها چاپ و منتشر کرده بودند. در گلچین حاضر تعدادی از این داستان‌ها برای شناخت و درک نگاه متفاوت آن فرزندگان از جهان برون و درون انتخاب و تقدیم خوانندگان ارجمند می‌گردد.

م. سروش



الکساندر سینکیویچ (۱۸۴۶-۱۹۱۶)

هنریک آدام الکساندر پیوس سینکیویچ: در پنجم می ۱۸۴۶ در روستای وولا اورزشکا در لهستان دیده به جهان گشود. او روزنامه نگاری پرشور و نویسنده‌ای پرکار لهستانی است که به خاطر خدمت به ادبیات و شایستگی در آفرینش آثار حماسی‌اش در سال ۱۹۰۵ جایزه ادبیات نوبل را به دست آورد. مهمترین آثار او عبارتند از: آتش و شمشیر ۱۸۸۴، طوفان ۱۸۸۶، پان میشل ۱۸۸۸، بدون تعصب ۱۸۹۱، هوس‌های امپراطور (به کجا می‌روی) ۱۸۹۵، تصویری از آمریکا، با آتش و آهن و ... وی سرانجام در ۱۶ نوامبر ۱۹۱۶ در سن ۷۰ سالگی دیده از جهان فروبست.



شماره کتاب: ۹۵۳۱  
 (زبان: انگلیسی / ترجمه: فارسی)  
 نویسنده: ...  
 مترجم: ...  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸-۱۳۳-۰  
 ناشر: ...  
 سال انتشار: ...  
 تعداد صفحات: ...  
 قیمت: ...  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸-۱۳۳-۰  
 ناشر: ...  
 سال انتشار: ...  
 تعداد صفحات: ...  
 قیمت: ...

## خوشه‌های طلایی

(۵۶ داستان از برندگان نوبل)

(جلد دوم)

ترجمه و تدوین: مصطفی سروش

ISBN: 978-600-768-133-0  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸-۱۳۳-۰

۹ ...  
 ۱۷ ...  
 ۲۳ ...  
 ۵۲ ...  
 ۷۲ ...  
 ۸۷ ...  
 ۱۰۷ ...  
 ۱۲۱ ...  
 ۱۲۳ ...  
 ۱۵۲ ...  
 ۱۶۲ ...  
 ۱۷۲ ...  
 ۱۸۲ ...  
 ۲۰۲ ...

روایت روح‌ها

(داستان‌های برندگان نوبل)



..... (سپیدک و سینه) ۱۹۹۹	۶۹۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۶۸۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۸۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۶۶۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۶۱۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۳۳۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۶۲۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۷۷۲
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۶۶۲

### فهرست مطالب

..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۹
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۷
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۳۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۵۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۷۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۸۷
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۰۷
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۲۱
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۴۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۵۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۶۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۷۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۱۸۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۲۰۳
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۲۱۵
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۲۴۷
..... (سنگین و سنگین) ۱۹۹۹	۲۵۳



بی‌وردزورث (وی اس ناپیل).....	۲۶۹
ایکاروس موجودی والاتر (الفریده یلینک).....	۲۸۳
من مرده (اورهان پاموک).....	۲۹۱
دردسر (دوریس لسینگ).....	۲۹۹
ماهی طلایی (ژان ماری گوستاو لوکلزیو).....	۳۱۳
در دهکده (هرتا مولر).....	۳۳۳
سرگروه‌ها (ماریو بارگاس یوسا).....	۳۴۹
قصه‌ی عشق (مویان).....	۳۷۷
بهشت (آلیس مونرو).....	۳۹۳
ناشناخته (باتریک مودیانو).....	۴۱۱
یک شام خانوادگی (کازائویشی گورو).....	۴۴۱

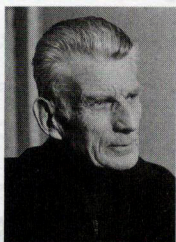


ساموئل بکت ۱۹۸۹-۱۹۰۶

ایرمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس دو تابعیتی ایرلندی-فرانسوی  
 در سال ۱۹۰۶ در ایرلند زاده شد. در کالج ترینی درس خواند، به  
 تدریس زبان فرانسه پرداخت، بعد به پاریس رفت و تا پایان عمرش  
 در آن کشور زیست.  
 بکت تقریباً تمامی آثار خود را ابتدا به زبان فرانسوی نگاشت و بعد  
 خویش را در نگارش آنها را به انگلیسی ترجمه کرد.  
 مهمترین آثارش این نویسنده عبارتند از: مونوژم - ۱۹۴۸،  
 مسالون من - ۱۹۵۱، مایور - ۱۹۵۱، نام‌های پانز - ۱۹۵۳، ریت -  
 ۱۹۵۳.  
 مهمترین نمایشنامه‌هایش: بو انتظار - ۱۹۵۱، کلمبی  
 اوانگلیان - ۱۹۵۲، دست‌انگیز - ۱۹۵۷، چه روزهای خوشی - ۱۹۶۱.  
 بکت در سال ۱۹۶۹ جایزه انیمات فن تول تول را از آن خود کرد و  
 در سال ۱۹۸۹ در سن ۸۳ سالگی درود را بدرگش گشت.  
 بکت این نویسنده بدیع، غیرمنسجم یا ساختار نحوی درهم  
 ریخته‌ای است که یک سبک تازه‌ای در داستان‌نویسی است.

.....	۶۲
.....	۶۵
.....	۶۷
.....	۶۸
.....	۷۰
.....	۷۱
.....	۷۲
.....	۷۳
.....	۷۴
.....	۷۵





### ساموئل بکت ۱۹۸۹-۱۹۰۶

رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس دو تابعیتی ایرلندی - فرانسوی.

در سال ۱۹۰۶ در ایرلند زاده شد. و در کالج ترینیتی درس خواند، به تدریس زبان فرانسه پرداخت. بعد به پاریس رفت و تا پایان عمرش در آن کشور زیست.

بکت تقریباً تمامی آثار خود را ابتدا به زبان فرانسه نگاشت و بعد خودش یا دیگری آنها را به انگلیسی ترجمه کرده‌اند.

مهمترین رمان‌های این نویسنده عبارتند از: مورفی - ۱۹۳۸، مالون می‌میرد - ۱۹۵۱، ملوی - ۱۹۵۱، نام‌ناپذیر - ۱۹۵۳، وات - ۱۹۵۳.

مهمترین نمایشنامه‌هایش: در انتظار گودو - ۱۹۵۲، همه‌ی افتادگان - ۱۹۵۷، دست آخر - ۱۹۵۷، چه روزهای خوشی - ۱۹۶۱.

بکت در سال ۱۹۶۹ جایزه ادبیات در نوبل را از آن خود کرد و سرانجام در سال ۱۹۸۹ در سن ۸۳ سالگی بدرود زندگی گفت.

سبک این نویسنده، بدیع، غیرمنسجم با ساختار نحوی درهم ریخته‌ای است که یک سبک تازه‌ای در داستان‌نویسی است.



طرف راستش پیچد خود را با دست چپ بدان می زند، و حالا با پایش. و اینک که سرش خم گشته، از روی عصبانیت با فرق سر این کار را انجام می دهد و چون پیوسته سرش خم است، پشتش قوز می شود. با سرش بر دیوار فشار وارد می آورد. دیدگانش بی نور می شوند، بدنش خونین می گردد، اما نه چندان انبوه، احتمالاً این زخم های اندک، قبل از تازه شدن، التیام می یابند. شتابش اندک است. مکان هایی هستند که در آن دیوارها قدری به هم نزدیک می شوند. حال باید با شانه اش بدان بکوبد، اما به جای نفس گرفتن و یا با بازگشتن، با خود می گوید: شاید پایان راه اینجاست. لاجرم چاره ای نیست، جز بازگشت به ایستگاه و شروع دوباره ی راه، که از دویدن به میان کوره راه ها و کوبیدن [خویشتن] بر دیوار و احساس و تحمل درد شدید پشت، بهتر است. آیا چشمانش که با ظلمت و سیاهی عادت کرده، دوباره گشوده خواهند شد، و سینه ی تاریکی را خواهند شکافت؟ نه. و به همین علت دلش می خواهد دیدگان خود را ببندد، محکم و استوار و بارها و بارها و همیشه ی اوقات و برای مدت زمانی بس طولانی. اینک درصدد است تا از رنج و ملال خیره نگرستن به روبه رو رهایی یابد، حتی با خیره نگرستن به پیرامونش. هر لحظه، و هر روز، ابدأ هیچ نمی بیند. اکنون زمان آن نرسیده که به سراغ خطاهایش برود، احتمالاً خطایش آن بود که پایداری ننمود، در شکافتن سینه ی ظلمت. شاید موفق می گردید، در نهایت. شاید سرانجام دیدگانش به جهان بازتر می گشت، هیچ چیز مانند یک خط نور، نمی توانست گاه و بی گاه، چشمانش را به دنیا بگشاید، و بعد شاید همه چیز تابناک گردد، در هر لحظه، نخست به دشواری و سپس - چگونه می توان گمان بُرد؟ - افزون و افزون تر، تا زمانی که همه چیز غرق در نور شود، جاده، زمین، پرچین ها، گنبد، بدون آنکه حتی خودش اندکی ناچیز نورانی تر گردد. شاید ماه رخ برتابد، در افق پرتوافشانی کند، گرچه هنوز زمان لازم را دارد، نمی خواهد بر شتاب گام هایش بیفزاید. یا بشتابد، یا تندتر بدود.

## هدیان گویی

سربرهنه، پا برهنه، لباس زیری به تن دارد با پیجامه ای کوتاه و بسیار تنگ، دو دستش با چیزهای زیادی تماس داشته همواره، و دو پایش، یکدیگر را لمس نموده، و ساق هایش بهم در سایشدن، به کیل ها و ران ها، به پایین، به بالا، هیچ یادمانی گرفتار اندیشه ی این تن فرو پوشید در لباس زندانیان نخواهد شد. اکنون همه ی خاطره ها محصول و برآمده ی وزینی هستند. در این ارتباط، حاصل اشباح و سیری، سر بزرگش، مرکز درد و آزدگی اش بسی مُضحک است، باز از جایش بیرون می شود، دوباره به جای نخستش بازمی گردد. در آینده خود را خواهد دید، سراسر اندامش را از مقابل، از سر تا سینه، تا بازوها، تا پنجه هایش. نخست به بازوانش نگاهی پُرشتاب می افکند، بعد پیشتر می رود، لرزان، با دیدگانش، نظاره می کند، مکث می کند، وقتی درمی یابد که مسافر است برای اولین بار، یک پایش تابع پای دیگر، پای راست مرکز تعادل بدن و پای چپ بر روی پنجه ها، تابع آن گام دیگر. بعد می جنبد، هر چند جاده تاریک است، نمی لغزد. با بازوان گشاده، با دست های صلیب وار و پاهای بر زمین استوار. در نتیجه می بایست بارها، و بارها، یعنی هر بار، خود را به دیوار بکوبد، دیواری که راهش را بسته است. چون به طرف دیوار سمت چپ می پیچد خود را با دست راستش بر آن می کوبد، و چون به سمت دیوار